اولین‌ها

وقتی محمدعلی‌شاه از خواب خرگوشی بیدار می‌شود!

■ نخستین نمایش پانتومیمی که در تهران برگزار شد مصادف با تیرماه سال ۱۲۸۷ هـ.ش برابر با ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هـ.ق در زمان سلطنت قاجار و حکومت محمدعلی‌شاه بود. این پانتومیم توسط ظهیرالدوله داماد ناصرالدین‌شاه و رییس انجمن اخوان با دوستان مشروطه به صورت اختصاصی در سن نمایش تالار خانه ظهیرالدوله و هم‌مسلکان او اجرا شد که درآمد نمایشنامه صرف امور خیریه و فرهنگ شد. موضوع نمایش، اوضاع سیاسی و خفقان‌آور روزگار سلطنت محمدعلی‌شاه مستبد بود که به صورت پانتومیم اجرا شد.

در تالار خانه وقتی پرده بالا می‌رود شخصی به شکل و شمایل محمدعلی‌شاه روی تخت سلطنت جلوس کرده و یک جنازه که نقشه ایران است در چند قدمی تخت روی زمین دراز کشیده و در این موقع پیشخدمت وارد شده و به شاه اطلاع می‌دهد که سفیر بریتانیا اجازه شرفیابی می‌خواهد، شاه نیز اجازه ورود می‌دهد. سفیر وارد می‌شود و به سوی شاه می‌رود، تعظیم می‌کند دست او را می‌بوسد و مطلب خود را آهسته و در گوش شاه نجوا می‌کند بدون آنکه کسی متوجه شود و سپس شاه با تکان دادن سر نشان می‌دهد که پیشنهادش را قبول کرده و سفیر دوباره تعظیم کرده و به طرف جنازه می‌رود و کلاه جنازه را برمی‌دارد و خارج می‌شود و بعد از نجوای حاضران در مجلس، پیشخدمت مجددا وارد می‌شود و آمدن سفیر روس را اطلاع می‌دهد و اجازه شرفیابی صادر می‌شود، سفیر روس مانند سفیر قبلی شرفیاب می‌شود و مثل همکارش پس از احترامات لازم به طرف جنازه می‌رود و کفش جنازه را درمی‌آورد و با خود می‌برد و سپس به همین ترتیب سایر سفرای خارجی و بزرگان داخلی شرفیاب می‌شوند و هرکدام چیزی از لباس و آنچه از جنازه باقی مانده، برداشته و می‌روند. سرانجام جنازه که حکم ایران را دارد برهنه می‌شود، در نتیجه چند نفر از وطن‌پرستان و خیرخواهان دولت اجازه شرفیابی می‌خواهند و شاه را از خواب خرگوشی بیدار می‌کنند و جنازه را که نقشه ایران است نشان می‌دهند که چگونه عریان و ناتوان شده و متذکر می‌شوند که اگر شاه به حرف‌های آنان گوش نکند کشور از دست می‌رود و بیگانگان غالب می‌شود.

نخستین و آخرین زنی که بر تهران حکومت کرد

مهدعلیا توطئه‌گر

احمد نیکروح

ملک‌جهان خانم (۱۲۹۰-۱۲۲۰هـ.ق) نوه فتحعلی‌شاه قاجار که در ۱۶ سالگی با پسردایی‌اش محمدشاه ازدواج کرد به‌عنوان اولین زنی شناخته شده که در تاریخ تهران به مدت ۴۴ روز و به روایتی صد روز حکمفرمایی کرد و از زنان بانفوذ و توانایی بود که هرگز دارالخلافه به چشم خود ندید. او از محمدشاه دو فرزند به نام‌های ناصرالدین و عزت‌الدوله داشت. ملک‌جهان پس از به سلطنت‌رسیدن همسرش، لقب مهدعلیا را از آن خود کرد که پیش از آن، مادر شاه‌عباس صفوی و مادر فتحعلی‌شاه قاجار به این نام خوانده می‌شدند. از نوشته مورخان این‌گونه برمی‌آید که وی زنی نازیبا، لاغراندام و تکیده بود که ادبیات فارسی و قواعد زبان عربی را به خوبی می‌دانست و به مطالعه تاریخ و دیوان اشعار علاقه و کتابخانه‌ای خصوصی مملو از کتاب‌های تاریخی و ادبی داشت و بسیار شیرین‌سخن بود و در انجام فرایض دینی بسیار مصر بود و هر سال در ماه رمضان روزه می‌گرفت. با همه این تفاسیر، تاریخ از او به‌عنوان زنی بدنام، توطئه‌چین، دسیسه‌گر و جاه‌طلب یاد می‌کرد که در فن مکر زنانه بی‌بدیل بوده است. شروع و آغاز دخالت وی در امور دولتی و خصوصی، در همان اوان ازدواجش با محمدشاه شکل گرفت، چراکه سستی اراده شاه و ناتوانی او در اداره کشور، مریضی نقرسش و عقیده درویش‌مسلکی باعث شده بود که محیطی مناسب برای رشد و بروز خودکامگی ملک‌جهان خانم باز شود. او در دربار دم و دستگاهی بسیار گسترده و باشکوه داشت. مهدعلیا با صدراعظم وقت میرزا آغاسی سر ناسازگاری داشت و به‌دنبال بهانه و فرصتی بود که خیلی سریع وی را از میدان به در برد که فوت محمدشاه به او امکان این کار را داد.

حکومت ۴۴ روزه مهدعلیا در تهران

بعد از مرگ محمدشاه قاجار در محله باغ فردوس، مهدعلیا بلافاصله میرزا آغاسی را طی نامه‌ای از صدارت عزل کرد تا آنجا که آغاسی از ترسش به حرم حضرت عبدالعظیم پناه برد و از فردای روز درگذشت شاه، وی عملا زمام امور مملکت را به دست گرفت و به مدت ۴۴ روز تا رسیدن پسرش ناصرالدین‌شاه به تهران، فرمانروای پایتخت بود و سفرا، نمایندگان خارجی مقیم تهران برای حل مشکلات با وی مذاکره و مکاتبه می‌کردند.

وی با همکاری کشورهای روسیه و انگلیس و ترفندهای خاصش، توانست دست عباس‌میرزا نایب‌السلطنه و خدیجه خانم زن دیگر محمدشاه را از سلطنت کوتاه کند و آنها با کمک میرزا معتمدالدوله به سفارت انگلستان پناه بردند و در آنجا تحصن کردند. مشهور است که در این زمان وی در درهای پشت‌پرده زنبوری می‌نشست و به گزارش‌های ماموران گوش فرا می‌داد و به رتق و فتق امور می‌پرداخت و علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه را به پیشکاری خود انتخاب کرد.

مهدعلیا در این دوران دو چادر بر سر می‌کرد، یک چادر مشکی به نشانه سوگواری در مرگ شوهر و چادر دیگری به رنگ الوان به شادمانی از پادشاهی فرزند. با رسیدن شاه و امیرنظام (امیرکبیر) به پایتخت، مهدعلیا تصمیم داشت که میرزا آقاخان نوری را صدراعظم کند که ناصرالدین‌شاه، میرزا تقی‌خان را صدراعظم کرد و تیر مادر شاه به سنگ خورد و برای مدتی، حکومت تهران از دستش خارج شد.

امیرکبیر که با دسیسه‌های مهدعلیا آشنایی داشت و می‌دانست وی در پشت‌پرده‌های حرمسرا مشغول کشیدن نقشه و توطئه است، دایره عمل وی را در دربار محدود کرد.

اگر شاه قاجار بر تخت سلطنت به امیران و وزیران دستورهای مملکتی می‌داد، مهدعلیا نیز در قصر خویش بسیاری از کارها را به دست گرفته بود و شوراهای غیررسمی که نقش مخرب در اداره امور کشور را داشت، به راه انداخته بود.

بقعه دروغین زبیده خاتون

امیرکبیر معتقد بود که ملک‌جهان، آفتی بزرگ برای سلطنت ناصرالدین‌شاه است و این موضوع را بارها به شاه اعلام کرده بود و شاه هم پذیرفته بود که مادرش به شدت زیرنظر امیرکبیر و یاران وی قرار گیرد تا کار خلافی از او سر نزند، اما مهدعلیا برای آنکه بتواند به دسیسه‌گری‌هایش ادامه دهد و پیغام خود را برای براندازی امیرکبیر به افراد موردنظرش برساند در منطقه شهرری، امامزاده‌ای دروغین ساخت. ماجرا از این قرار بود که پیرمردی به‌نام حاجی‌علی، باغی داشت که پس از مرگ دخترش زبیده، وی را در آن باغ دفن کرده بود. مهدعلیا با آگاهی از این باغ دستور می‌دهد تا یکی از گیس‌سفیدان در میان دربار شایعه کند که خواب‌نما، شده و خواب زبیده خاتون دختر سیدالشهدا، که بعد از واقعه کربلا به شهرری آمده، را دیده که در این باغ مدفون است. جریان خواب قلابی بلافاصله در ارگ بر سر زبان‌ها افتاد و همه کسانی که از قبل توسط مادرشاه تحریک شده بودند، شاه را در فشار گذاشتند تا از مادرش بخواهد گنبد و بارگاهی برای زبیده خاتون برپا کند و شاه جوان و کم‌تجربه نیز خواسته آنها را پذیرفت. مهدعلیا به خواست خود، مخارج احداث بقعه و بارگاه را تقبل کرد و به بهانه سرکشی به ساختمان و زیارت هرچند روز یکبار به شهرری می‌رفت و در آنجا پیغام‌های نهانی‌اش را برای افراد موردنظر می‌فرستاد. توسط همین پنهان‌کاری‌ها بود که نواب توانست فرمان عزل امیرکبیر را از شاه بگیرد و وی را به باغ فین تبعید کند.مادر شاه به دلیل علاقه‌ای که به میرزا آقاخان نوری خوش‌سیما داشت وی را جایگزین امیرکبیر کرد و سرانجام در حالت مستی ناصرالدین‌شاه، حکم مرگ امیرکبیر را از شاه گرفت و عزت‌الدوله دخترش را عزادار کرد. در این دوران، دوباره مهدعلیا به دوران اوج خود بازگشت و دربار را کاملا در اختیار خود قرار داد به‌طوری که در امر عزل و نصب افراد دخالت کامل داشت.

سال‌های پایانی زندگی مهدعلیا

وی در کنار دسیسه‌بازی و توطئه‌چینی‌هایش برای اینکه نامش در تاریخ به نیکی یاد شود، دست به تعمیر بناهایی، چون کاروانسرا، مدرسه حکیم‌باشی، باغ در مرقد شاه عبدالعظیم و مسجدی که بعدها به نام مسجد مادر شاه نامگذاری می‌شود، زد. بعد از مدتی، یکی از نزدیکان شاه رابطه غیررسمی مهدعلیا و صدراعظم را به‌طور غیرمستقیم به گوش ناصرالدین‌شاه می‌رساند و پس از آن شاه دستور می‌دهد تا دست مهدعلیا برای همیشه از امور مملکت کوتاه شود و در اندرون خانه بنشیند و شاهزاده محمدولی میرزا پسر فتحعلی‌شاه را مامور آن کرد که مراقب مادرش باشد و کسی بدون اجازه وی، مادر شاه را ملاقات نکند. سرانجام مهدعلیا در ۷۰ سالگی در ششم ربیع‌الثانی ۱۲۹۰ه . ق هنگامی که ناصرالدین‌شاه به سفر فرنگ رفته بود، در تهران درگذشت و تا بازگشت شاه، جنازه وی را در مسجد سلطانی شاه، نگه داشتند و بعد از آمدن ناصرالدین‌شاه، وی مدتی بر سر جنازه گریست سپس به فرمان وی جنازه آن زن مکار و فتنه‌گر در حرم حضرت معصومه(س) در قم به خاک سپرده شد.

همسر وزیر مختار انگلیس در ملاقات با مهدعلیا

«لیدی شیل» همسر «جاستین شیل» وزیرمختار انگلیس در ایران در اواخر سلطنت محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه، کتابی تحت عنوان «نظری اجمالی به زندگانی آداب و رسوم ایرانیان» نوشت. وی در کتابش درباره دیدارش با مهدعلیا، وی را این‌گونه توصیف می‌کند: «مادر شاه لباس مجللی دربرداشت و جواهرات زیادی به خود آویخته بود.

وی زن زیبایی است که به زحمت ۳۰ ساله به نظر می‌رسید درحالی که سن واقعی او باید حداقل ۴۰ سال باشد. او خیلی باهوش است و در اغلب امور مملکتی دخالت دارد و در ضمن اداره امور اندرون شاه هم بر عهده وی است. مادر شاه، از من سوالات متعددی درباره ملکه انگلیس (ویکتوریا) پرسید ازجمله می‌خواست بداند که چگونه لباس می‌پوشد و چند پسر دارد و می‌گفت که به نظرش آدمی خوشبخت‌تر از ملکه انگلیس در دنیا وجود ندارد، چون شوهری فداکار و خانواده‌ای صمیمی و قدرتی فراوان دارد. او از من خواست که چگونگی انجام مراسم و تشریفات پذیرایی در انگلستان را برای او توصیف کنم و تصویری از ملکه به او نشان دهم. مادر شاه در ضمن درمورد وضع تئاتر در انگلستان هم خیلی کنجکاوی می‌کرد.»

داستان

تولد امیر ارسلان در تهران

■ در آن روزگاری که نه سینما بود نه تلویزیون و نه سرگرمی‌هایی از این قبیل، شب‌ها، مخصوصا شب‌های طولانی و سرد زمستان، تهرانی‌ها وقت خود را با شنیدن و خواندن قصه می‌گذراندند، در میان قصه‌های شبانه، داستان‌های شاهنامه طرفداران زیادی داشت و پس از آن داستان‌هایی چون اسکندرنامه، حسین‌کرد شبستری و امیرارسلان قرار داشتند.داستان امیر ارسلان نامدار در زمان عصر قاجار توسط نقیب‌الممالک، نقال دربار ناصرالدین‌شاه آفریده شد و در شمار نخستین داستان عامیانه‌ای بود که در آن دوران در تهران سینه به سینه نقل شد و بلافاصله به تحریر درآمد و چاپ شد.این داستان سرگذشت امیر ارسلان، پسر پادشاه روم و عاشق شدن وی بر فرخ‌لقا، دختر پطروس شاه فرنگی از راه دیدن تصویر او و مبارزات قهرمان داستان برای رسیدن به وصال معشوق بود. امیر ارسلان برای رسیدن به فرخ‌لقا، ماجراهای عجیب و غریبی را آفرید و با دیو، جن، اژدها، جادوگر و عفریته‌ها مبارزه کرد و موانع را از سر راهش برداشت تا به وصال فرخ‌لقا برسد. بعضی از بازیگران این داستان مانند «قمر وزیر»، «فولادزره دیو» و «مادر فولادزره» در میان تهرانیان به‌عنوان نمونه ناپاکی و بدنهادی مثل شدند. این داستان ابتدا در خوابگاه ناصرالدین‌شاه توسط نقیب‌الممالک برای نخستین بار بازگو شد. هنگامی که شاه به بستر می‌رفت نقال نقیب‌الممالک وارد می‌شد و فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه پشت در نیمه باز اتاق پدرش می‌نشست و گفته‌های نقیب‌الممالک را می‌نوشت. شاه که از این داستان خوشش آمده بود، در اوقاتی که فخرالدوله در خانه خود به سر می‌برد به وی امر می‌کرد که هر شب به ارگ بیاید و در هنگام خوابیدن شاه، از نوشتن داستان امیر ارسلان سرباز نزد و این‌گونه بود که داستان امیر ارسلان زاییده فکر نقیب‌الممالک و با ذوق و همت فخرالدوله به چاپ رسید و شهره عام و خاص در دارالخلافه شد که بعدها با ورود دستگاه تلویزیون سریال آن ساخته شد.

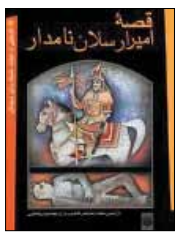

برگرفته از اولین‌های تهران

فرم درخواست اشتراک روزنامه شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲- ۸۸۸۱۴۲۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۱ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.

توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۱ ماهه	۳ ماهه	۶ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۳۲۰/۰۰۰	۸۸۰/۰۰۰	۱/۶۸۰/۰۰۰	۳/۲۰۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ..... ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک ..... نسخه روزنامه شرق

به مدت ..... ماه از مشترک شماره ..... به نام ..... دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ

نام و نام خانوادگی دریافت کننده: ..... امضاء دریافت کننده: .....

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۱ماهه ☐ ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐ کد اشتراک ..... تعداد نسخ اشتراک .....

مشخصات متقاضی

نام: ..... نام‌خانوادگی: ..... نام موسسه: .....

آدرس دقیق: .....

کدپستی: ..... تلفن: ..... نمابر: .....

امضای متقاضی:

جدول ۱۴۰۹

افقی:

۱- پایین‌ترین طبقه دوزخ- میله آهنی جابه‌جاکننده اجسام سنگین ۲- زخم چرکینی که آب به آن نفوذ کرده باشد- اورنگ- مرحبا ۳- نوعی فرش- میوه شیرین بهاری- جنبیدن ۴- بستنی به کمر- ضمیر متکلم وحده عربی- سایبان چشم - خبر افشاگرانه ۵- خیس- شوخ- دستور کار ۶- مبهوت و متحیر- علامت مخصوص ۷- مظهر باریک- کیسه پول- درست، مهیا ۸- از درختان جنگلی -رکن اصلی نماز- از افعال ربطی- بانگ و آواز ۹- نوعی پارچه -کسی که طرفدار آداب و سنن قدیمی است- شبکه رایانه‌ای ۱۰- جایگاه- جلب کردن ۱۱- اتحادیه کارگری- هوای فرنگی- پوستین ۱۲- یک ورق کاغذ- اصل و نژاد- همسر زن- اسم ۱۳- کارشناس تعیین ارز و بها- مقام و منزلت- مقیم ۱۴- ناحیه‌ای در آلمان- موی فر- مکر وحیله ۱۵- متحدالقول- کاشف سیاره اورانوس

عمودی:

۱- ناچیز، اندک- تحفه نطنز ۲- سر کرده- پیچ تنظیم صدا- پارازیت ۳- سنگواره- خادم کلیسا- دیر نیست ۴- پایتخت توگو- سلطان- سال اسب ۵- عضو بالا نشین- محفل- بخت برگشتگی ۶- رودی در استان کرمان- امر به یافتن ۷- حکم- مخترع ماشین بخار- واحد طول روسی- نام قدیمی اصفهان ۸- عریان- پسوند مراقبت- شبانگاه- تقلب کردن ۹- هنوز لاتین- ارزش- هنر فرنگی- پولدوست ۱۰- پسر عرب- کرایه کردن ۱۱- ثلاثه مصر- صحافی- زمینه موسیقی ۱۲- وسیله برقی اتومبیل- عیب و ننگ- نیکو ۱۳- بیهوده- بانگ جانور درنده- نفرت دارنده ۱۴- پول آسیایی- چشم روشنی- عکس العمل ۱۵- گوشه نشین- برنده جایزه نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۹

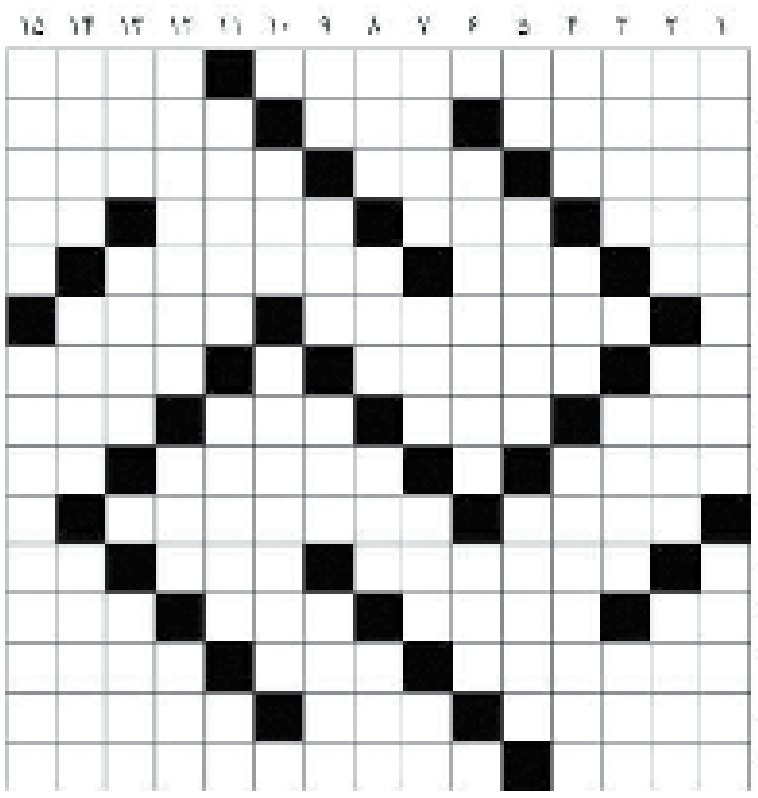

حل جدول ۱۴۰۸

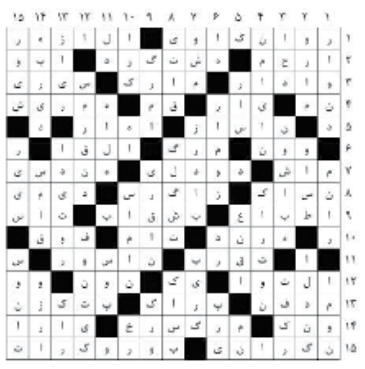

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۴۱۲

۷					۲	۴	۳	۶
۳	۴	۹	۱				۲	۸
۸	۲		۷			۵		۱
		۲		۶	۵			۹
	۶	۴			۸		۵	
	۳				۱	۶		۲
	۹	۷					۸	۵
	۸		۶		۹		۱	
۲		۳			۷			۴

حل سودوکو ۴۱۱

۳	۸	۷	۲	۵	۱	۶	۹	۴
۲	۱	۹	۶	۳	۴	۵	۸	۷
۶	۵	۴	۸	۹	۷	۱	۳	۲
۷	۳	۵	۹	۴	۲	۸	۶	۱
۹	۴	۸	۵	۱	۶	۲	۷	۳
۱	۲	۶	۳	۷	۸	۹	۴	۵
۵	۶	۲	۴	۸	۳	۷	۱	۹
۸	۷	۳	۱	۲	۹	۴	۵	۶
۴	۹	۱	۷	۶	۵	۳	۲	۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکوسخت ۶۰

	۴	۳			۱		۲	
	۵		۲		۸	۷		
	۲							۸
		۵		۱	۹			
					۳		۷	
					۴	۵	۱	۶
	۹				۷		۶	
۶		۴		۹			۵	
	۳		۴	۶	۵			
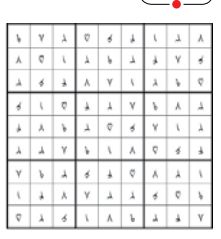
حل سودوکوسخت